

# افزایش صادرات صنعتی کلید افزایش درآمدهای ارزی

از: دکتر علی رشیدی

## امروز قیمت واقعی کالاهای کشاورزی و مواد اولیه غیر انرژی در بازارهای جهانی نصف قیمت‌های ۱۰۰ سال قبل است

اخیراً "چهار نفر از اقتصاددانان (۱) وابسته به صندوق بین‌المللی پول تحقیقی تحت عنوان "نوسانات قیمت کالاهای غیرنفتی" (The Behavior of Non-Oil Commodity Prices انجام داده‌اند که نشان می‌دهد قیمت واقعی مواد اولیه و محصولات کشاورزی غیرانرژی در طی قرن به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. یافته‌های این محققین درباره قیمت کالاهای کشاورزی و مواد معدنی، خارج از بخش انرژی، نشان‌دهنده‌ی درجه‌بندی‌های انرژی‌ای در باره قیمت مواد است که در دهه ۱۹۵۰ برای اولین بار اعلان گردید. در آن زمان راثول پری‌بیش (R. Prebisch) و هانس‌سینگر (H. Singer) بر اساس مطالعات انجام شده در دهه ۱۹۴۰ فرضیه‌ای را اعلان کردند که قیمت واقعی مواد اولیه در مقایسه با قیمت کالاهای ساخته شده در درازمدت در حال سقوط خواهد بود. معنی نشوری پری‌بیش-سینگر این است که رابطه میان *Terms of Trade* یعنی قیمت یک واحد کالای صادراتی به قیمت یک واحد کالای وارداتی بضرر ممالک در حال توسعه صادر کننده مواد اولیه در حال تغییر است. اینکه چرا قیمت نسبی مواد اولیه در بازارهای جهانی در حال سقوط بوده است و یا بعبارت دیگر تقاضای بازار برای مواد اولیه دارای قدرت و استحکام تقاضا برای محصولات صنعتی نیست،

به روند تحولات اقتصادی - تکنولوژیکی دنیای صنعتی و طبیعت اختراعات و اکتشافات علمی - صنعتی در دنیای غرب در مقایسه با رکود و سکون فنی و تکنولوژیکی بومی در ممالک توسعه نیافته مربوط می‌شود. اقتصاددانان بعد از پری‌بیش کلا " پنج گروه دلیل برای سستی بازار مواد اولیه و در نتیجه سقوط قیمت نسبی آن ارائه کرده‌اند: ۱- اختراعات و اکتشاف علمی، فنی و تکنولوژیکی قرن بیستم مخصوصاً " اختراعات مرتبط با علم مکانیک، فیزیک و شیمی جملگی در جهت کاهش هزینه تولید از راه صرفه‌جویی در مصرف مواد اولیه بر حسب واحد تولید صورت گرفته است یعنی رقابت در بازار، تولید کنندگان را به بزرگ‌تر کردن واحدهای تولیدی و برخورداری از اقتصاد حاصل از مقیاس تولید و بکارگیری تکنولوژی‌های جدید ترکشانده است. امروز مقدار لیاف طبیعی لازم برای تولید یک متر پارچه بر مراتب کمتر از پنجاه سال قبل است و همین امر در مورد کلیه کالاهای صنعتی صادق است. ۲- اختراع و اکتشاف مواد اولیه جان‌شین مواد طبیعی، صنایع جدید مخصوصاً " صنایع شیمیایی و پتروشیمی صدها و بلکه هزارها ماده اولیه مصنوعی در اختیار صنایع گذاشته است که بطور نسبی جایگزین مواد اولیه طبیعی شده و در نتیجه رشد تقاضا برای مواد اولیه طبیعی را محدود ساخته است.

۳- حساسیت درآمدی منفی تقاضای مواد اولیه کشاورزی و غذایی. تقاضا برای غذا و مواد اولیه کشاورزی مصرفی به نسبت افزایش درآمد - پنج برابر نمی‌یابد، مردم با پنج برابر شدن درآمد پنج برابر غذا نمی‌خورند. و پنج برابر لباس نمی‌پوشند و در نتیجه افزایش درآمد به افزایش بیشتر تقاضا برای محصولات صنعتی و کالاهای لوکس که منشاء غیر کشاورزی دارند می‌انجامد. ۴- تعیین قیمت مواد اولیه کشاورزی و معدنی در بازارهای خارج از ممالک تولید کننده. اغلب بورس کالاهای کشاورزی و معدنی مانند بازار گندم، مس، قلع، قهوه، کاکائو و کائوچو و نفت در ممالک صنعتی و خریدار و مصرف کننده این مواد قرارداد و خارج از کنترل تولید کنندگان است. در نتیجه قیمت این مواد ارتباط چندانی با هزینه تولید و نیازهای ارزی و منافع ممالک تولید کننده ندارد. ۷- اجراء سیاست‌های ظاهراً " کمکی ممالک صنعتی و تشدید رقابت تولید کنندگان: ممالک در حال توسعه تولید کننده و صادر کننده مواد اولیه صنعتی و کشاورزی همیشه با موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای ممالک صنعتی در مورد صادرات خود مواجه بوده‌اند. سازمان ملل و موسسات وابسته به آن مثل انگلند و گات و برنامه توسعه سازمان ملل، دادن امتیازات تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به ممالک در حال توسعه را تحت عنوان سیستم

تعرفه‌های رجحانی (GSP) تشویق کرد مانده که نتیجه آن هدایت و تشویق بیشتر ممالک در حال توسعه به حفظ و افزایش تولیدات کشاورزی و معدنی و تشدید رقابت بین خود ممالک در حال توسعه برای دسترسی به بازار ممالک صنعتی و فروش به قیمت‌های نزولی بوده است.

عکس‌العمل ممالک مصرف‌کننده مواد اولیه در مقابل افزایش شدید قیمت این مواد غالباً به کاهش نامتناسب تقاضا برای آنها منجر شده است. عامل مؤثر در کاهش تقاضا همانطور که گفته شد بکارگیری دانش و تکنولوژی برای صرفه‌جویی در مصرف، بافتن مواد جانشین تازه، کوشش در اکتشاف منابع جدید و افزایش تولید و رقابت در بازار این مواد بوده است. (۲) بهترین مثال این قبیل مواد اولیه بازار و قیمت نفت و میسران تقاضا برای آن است که در سال ۱۹۹۴ میزان تقاضای روزانه بجای ۹۵ میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده بیت سال قبل) اخیراً به حدود ۷۲ میلیون بشکه رسیده است و سهم اوپک از حدود دو سوم بازار در سال ۱۹۷۳ به حدود سی و چهار درصد یا ۲۴/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. ایجاد تولیدکنندگان و رقبای جدید برای اوپک و نیز یافتن انرژی‌های جانشین و مخصوصاً کشف تکنیک‌های صرفه‌جویی در مصرف، عامل این تحول بوده است.

حاصل این تحولات سقوط قیمت واقعی نفت به حد ۹ دلار هر بشکه در مقایسه با قیمتی حدود ۱۴/۵ دلار و نیم در سال ۱۹۷۶ است. (نمودار ۲)

مجموعه این عوامل اضافه بر تأثیر عوامل طبیعی و جوی و عوامل ساخت دست بشر، یعنی برقراری سهمیه و موانع غیرتعرفه‌ای بر سر راه صادرات ممالک در حال توسعه، مقدار صادرات مواد اولیه معدنی و کشاورزی و میزبان درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد اولیه کشاورزی و معدنی را هم نامطمئن و هم دارای نوسانات شدید و سیر نزولی کرده است.

سؤال‌ی که در اینجا مطرح میشود این است که ممالک تولیدکننده مواد اولیه چه میتوانند بکنند و یا تاکنون چگونه عکس‌العمل نشان داده‌اند.

بررسی محققین صندوق بین‌المللی پول نشان میدهد که عکس‌العمل‌ها را میتوان بدو دسته تقسیم کرد. دسته‌ای درصد مبارزه با روند نزولی قیمت‌ها برآمده‌اند و کوشید مانده جهت آن را معکوس نمایند. دسته‌ای دیگر از تولیدکنندگان مواد کوشید مانده سیر نزولی قیمت کالاهای صادراتی خود را بپذیرند و با توجه به آن، اقتصاد خود را تعدیل کنند. شواهدی که در مطالعه فوق‌الذکر ارائه گردیده است نشان میدهد که دسته دوم شانس موفقیت بیشتری داشته‌اند.

عامل کلیدی در عکس‌العمل صادرکنندگان کالاهای اولیه نسبت به قیمت‌های نزولی، نظر خود آن‌ها درباره علت سقوط قیمت‌ها است. اگر کاهش تقاضا و سقوط قیمت را ناشی از وجود دورتجاری و اقتصادی یاسیکل بدانیم (یعنی فرض شود بعداً قیمت‌ها بجای خود برمیگردد) سیاستی که سبب تقلیل نوسانات قیمت شود شانس موفقیت دارد. اما اگر سقوط قیمت‌ها مداوم و طولانی باشد معنی آن این است که صادرکنندگان باید وضع خود را متناسب با آن تعدیل کنند.

بررسی انجام شد متوسط صندوق بین‌المللی پول ثابت میکند که سقوط قیمت‌های مواد اولیه و کالاها، خیلی مداوم‌تر از آن بوده است که بتوان آن را ادواری دانست و از نقطه نظر طراحی سیاست‌ها باید آن را دائمی دانست.

در بین عواملی که بیش از همه بمسقوط مداوم اخیر قیمت نسبی محصولات کشاورزی کمک کرده است رشد سریع عرضه این کالا از اواسط دهه ۱۹۸۰ است. دانش کشاورزی (agrosience) سبب افزایش بارده تولید و فشار کشورهای در حال توسعه برای افزایش صادرات بمنظور کاهش بدهی‌های خارجی در شرایطی بوده است که صادرات کشورهای دارای اقتصاد کنترل شده نیز راهی بازارهای جهانی شده است. در جهت مخالف، این افزایش صادرات و عرضه‌در در شرایطی اتفاق افتاده است که در اقتصادهای مبتنی بر بازار رشد تقاضا همراه با شروع روند نزولی در اقتصادهای صنعتی جهان کاهش یافته است. این روندهای تازه شامل عوض شدن

جهت فعالیت‌های اقتصادی از صنایع و تولیدات کارخانه‌ای بسوی بخش خدمات، بسوی استفاده بیشتر از تکنولوژی صرفه‌جویی منابع و جانشین مواد اولیه سنتی به مواد تازه و ارزانتر می‌باشد. صرف نظر از علل سقوط قیمت‌ها، معنی سیر نزولی دراز مدت قیمت مواد اولیه و محصولات کشاورزی برای کشورهایی که از این راه زندگی میکنند این است که با مشکلات بیشتری مواجه خواهند بود. درآمد صادراتی، قدرت خرج و مصرف در داخل کشور و بودجه دولت هم‌فراوانی احتمالی پایین بودن درآمدت قیمت‌ها هستند. گزارش صندوق، راه‌های حفاظت اقتصاد ممالک در راه توسعه، اثرات ناگوار جانبی امر را بررسی میکند. چون بسیاری از نوسانات نزولی قیمت کالاها و مواد اولیه طبیعتاً ادواری است دولت‌های ممالک صادرکننده مواد اولیه باید در امر دخالت در بازار با احتیاط عمل نمایند. زیرا این سیاست‌ها ممکن است تعدیل بخش صادرات نسبت به قیمت‌های ضعیف مداوم را به تأخیر اندازد.

برقراری مالیات بر صادرات از این نظر درست نیست که نوسانات قیمت کالاهای صادراتی را به بودجه دولت منتقل میکند. صندوق‌های تثبیت درآمد صادراتکنندگان برای شروع به پرداخت به قیمت‌های پایه نیاز دارند. اما تجدیدنظر در قیمت‌های پیش‌بینی شده در بازاری که شدیداً نوسان دارد میتواند سریعاً این پیش‌بینی‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. هیئت‌های نظارت بر قیمت‌ها و بازار محصولات کشاورزی بیشتر بدنبال این هستند که پروژه‌های غیرصحيح، که در شرایط رونق قابل اجراء است (ولی در شرایط سقوط بازار کار نمی‌کند)، را بمورد اجراء بگذارند. قراردادهای بین‌المللی کالاها بمنظور حفظ قیمت‌ها در دهه گذشته بی‌اثر بوده و از کار کردن باز ایستاده‌اند.

استقراض از بازارهای بین‌المللی راهی است که بروی کشورهای در حال توسعه‌ای که در اثر تنزل درآمدهای صادراتی ثبات خود را از دست داده‌اند گشوده است ولی این وام مشروط به این است که زودتر مسئله را شناسایی کرده باشند،

حد دسترسی به بازار تعیین شده توسط وام دهنده را رعایت کنند و سیاست‌های تعدیلی را نیز اتخاذ و اجراء نمایند .

صادرکنندگان کالاها و مواد اولیه همچنین میتوانند با استفاده از اوراق مالی، ریسک نوسانات قیمت را پوشش دهند . اما وجود هزینه‌های اولیه و هزینه‌های بالقوه این دادوستدها و نیز ضرورت داشتن سابقه اعتباری قوی برای استفاده از این ابزار، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را از استفاده از این ابزار مالی محروم میکند .

استراتژی مداخله‌های دیگری را که گزارش فوق بی‌نتیجه و شکست آمیز نام نهاده است سیاست تولید کالاهای جان‌شین واردات است . در دهه ۱۹۶۰ دولت‌ها سیاست‌هایی را تجربه کردند که طبق آن منابع خود را از تولید مواد اولیه به تولیدات صنایع سنگین و کالاهای ساخته شده اختصاص دادند که هدف آنها بازار داخلی بود . در عمل ثابت شد که این فکر اساساً " غلط بوده است . زیرا این فکر دراصل به این معنی بود که کشور میبایست تولید کالاهایی را که در آن برتری نسبی دارد کنار بگذارد و فعالیت‌های تولیدی را تشویق نماید که قابل رقابت و خودسپاری و حیات نبود . متعادل‌سازی و خوگرقتن بهترین عکس‌العمل است .

نویسندگان گزارش بعد از نشان دادن سقوط دائمی قیمت مواد اولیه و کالاهای کشاورزی و محدودیت موفقیت سیاست‌های مقابله و مداخله در بازار ، موفقیت‌های کشورهایی را که راه تعدیل و هم‌سوئی با روند دراز مدت قیمت‌ها را در پیش گرفته‌اند ذکر میکنند . تفاوت‌های عظیم بین عملکرد اقتصادهای ممالک آسیایی و آفریقایی صادرکننده کالاهای اولیه کشاورزی ، فرق بین کشورهایی را که مقابل‌روند نزولی قیمت‌ها مقاومت کرده‌اند و آنهایی را که با آن همگام شده‌اند منعکس می‌سازد .

کشورهای آسیایی کلاً " وقتی خود را بطور مداوم با قیمت‌های ضعیف کالاهای صادراتی معدنی و کشاورزی خود مواجه دیدند عکس‌العمل

آنها تنوع تولید و رفتن به تولیدات صنعتی بر مبنای مواد اولیه خود بود . کشورهای آسیایی همچنین بازدهی کار خود را افزایش دادند و حجم تولیدات سنتی خود را نیز بمنظور افزایش درآمد‌های ارزی و کاستن اثرات منفی قیمت‌های پایین ، زیاد کردند

در نتیجه این سیاست‌ها کل درآمد‌های ارزی صادراتی ممالک منطقه در دوهه گذشته مرتباً افزایش یافته است . برعکس در آفریقا صادرکنندگان مواد اولیه همچنان به صدور مواد اولیه تکیه دارند و در نتیجه تولید و رشد اقتصادی آنها از ممالک آسیایی عقب مانده است . در همین دوره بیست‌ساله آفریقا سقوط شدید تداوم درآمد‌های صادراتی را ثبت کرده است .

از این رو بنظر میرسد که برای کشورهایی که بدنیاال مقابله با بدتر شدن رابطه مبادله و تأثیر منفی آن بر درآمد‌های ارزی خود هستند ، اولین اقدام متنوع کردن تولیدات بدوراز پایه مواد اولیه و کالاهای کشاورزی میباشد .

اما نویسندگان گزارش اعلان خطر میکنند که متنوع کردن تولیدات بطور محدود و ساده ممکن است خطر انتقال کامل منابع از تولید مواد اولیه و کالاهای کشاورزی را در برداشته باشد . با ذکر سابقه موفقیت آمیز کشورهای آسیایی نویسندگان گزارش به کشورهایی که میخواهند تولیدات خود را متنوع سازند راهنمایی میکنند که پایه تنوع تولیدات خود را بنحوی بریزند که اولاً بخش کشاورزی را حفاظت، ثانیاً بخش زیربنایی را تقویت و ثالثاً تولید محصولات کشاورزی غیر سنتی برای مصرف داخلی شهرها و بازارهای صادراتی را تشویق کند.

علاوه بر این کار کردن روی افزایش بازدهی کارآئی بعنوان بخشی از استراتژی موفق توصیه شده است . مثال موفق ممالک آسیایی نشان میدهد که بعد از متنوع کردن پایه تولید ، سهم کشاورزی و تولید کمتر شده است ولی در عین حال کل تولیدات کشاورزی و بازدهی در مقایسه با سایر ممالک در حال توسعه تحقق یافته است .

گزارش محققان علاوه بر اقدامات فعالانسه دولت‌ها برای هم‌پایی و تعدیل نسبت به سقوط دراز مدت قیمت محصولات کشاورزی و معدنی ، از سیاست‌های انفعالی بعضی از دولت‌ها که به همین مسئله مواجه بوده‌اند یاد میکند .

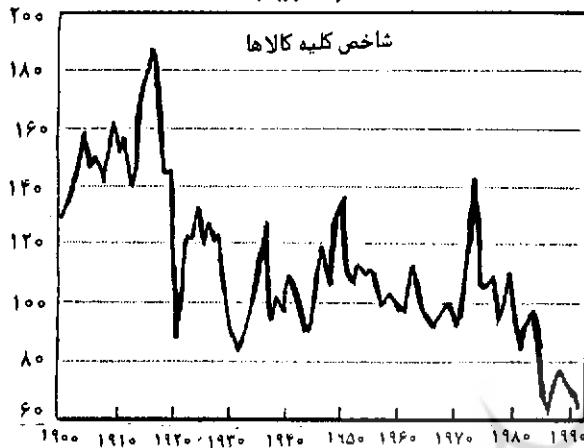
یکی از این سیاست‌ها این است که دولت‌های ممالک در حال توسعه هیچ‌کاری نکنند و تمام بار سنگین تعدیل را بدوش بخش خصوصی بگذارند نویسندگان توانائی بعضی از دولت‌های ممالک در حال توسعه در تدوین و اجراء سیاست‌های زمان‌بندی شده میان مدت برای مقابله با ضعف قیمت‌ها را مورد سؤال قرار میدهند . آنها معتقدند که نیروهای بازار در بخش خصوصی در صورت رسیدن علامت‌های مرتبط با عرضه و قیمت در امر تجدید نظر در صادرات خیلی بهتر عکس‌العمل نشان میدهند ، اما شرط آن این است که اجازه داده شود که این علامت‌ها به آزادی و آسانی به بخش خصوصی در کشور در حال توسعه برسد . محققین صندوق بین‌المللی پول معتقدند که دولت‌هایی که تعدیل بسوی تنوع تولیدات صنعتی و دور از صدور مواد اولیه را به بخش خصوصی واگذار میکنند ، میتوانند جریان تعدیل را بطور غیر مستقیم از راه فراهم‌سازی حمایت‌های اقتصادی و انگیزه برای کار نیروهای حاکم بر بازار ، تقویت کنند تا بخش صادرات مبتنی بر صنایع تبدیل مواد اولیه بوجود آید . مثلاً " یک سیستم مالیاتی که پس‌اندازهای احتیاطی را تشویق و ارزش این پس‌اندازها ثابت نگاه دارد ، به بخش خصوصی کمک میکند که وضع خود را در مقابل سقوط قیمت‌ها تعدیل کند . علاوه بر این دولت‌ها میتوانند با ایجاد طرحی برای کمک به مصدومین تعدیل ، جریان تنوع تولید و بهبود کارآئی را تسریع نمایند .

این گزارش آشکارا موفقیت کشورهایی که راه تعدیل و تنوع تولید را بعنوان عکس‌العمل در مقابل سقوط قیمت مواد اولیه در پیش گرفته‌اند در مقایسه با کشورهایی که راه مقابله را رفته‌اند و با شکست مواجه شده‌اند نشان میدهد .

قیمت کالاها و مواد اولیه در ۱۹۲ تا ۱۵ ماه گذشته اندکی افزایش یافته است ولی همان‌طور که گزارش

قیمت‌های واقعی دراز مدت کالاهای غیر نفتی

(کشاورزی و معدنی)  
۱۰۰ = ۱۹۸۰

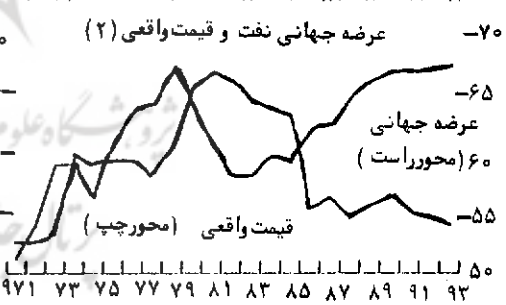
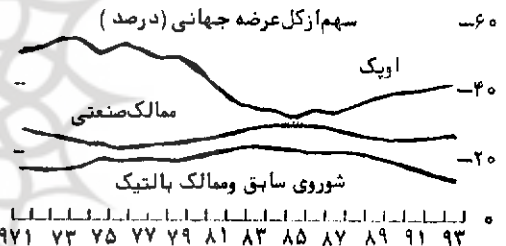
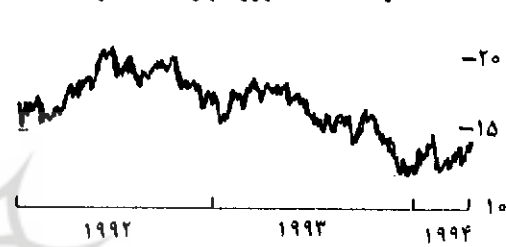


منبع: صندوق بین‌المللی پول

نشان داده است، این سیر صعودی فقط یک چرخش مثبت در محور روند نزولی درازمدت قیمت کالاهای صادراتی ممالک در حال توسعه است و این ممالک باید آن را درک کنند و در صورت تنوع کردن پایه تولید خود بر مبنای مواد اولیه و کالاهای کشاورزی خود با هدف صادرات برآیند.

نمودار ۲

قیمت‌های جهانی و عرضه نفت، متوسط قیمت روز بازار (۱) (دلار-بشکه)



۱) Petroleum Market Intelligence (New York)

۲) International Energy Agency

وسایر منابع نفتی

(۱) متوسط ساده قیمت‌های روزانه برحسب دلار ایالات متحده نفت برنت (Brent) انگلیس، دومی نفت آلاسکا با ضریب مساوی (۲) عرضه نفت میلیون بشکه در روز، قیمت نفت با استفاده شاخص قیمت مصرف‌کننده در ممالک صنعتی تعدیل و برحسب قدرت خرید ثابت دلار ۱۹۸۰ تعدیل شده است.

پس‌نوشتها

1) Eduardo Borensztein, Mohsin Khan, Carmen Reinhart and Peter Wickham

(۱) به‌منوان مثال رفتن ممالک حوزه دریای شمال مخصوصاً " تروژ و انگلستان به دنبال اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی این دریاهند از انقلاب نفتی اوپک در سال ۱۹۷۳ سبب گردید که این منطقه عملاً " روزانه ۵/۵ میلیون بشکه نفت تولید نماید که بیش از دوبرابر سهم ایران در اوپک است. علاوه بر این با اعلان اکتشاف ۳/۵ میلیارد بشکه نفت تازه در حوزه جزیره شندند انگلیس در نوامبر ۱۹۹۴ منابع قابل بهره‌برداری این منطقه به حدود ۱۲ میلیارد بشکه رسیده است که وضع آشفته بازاریهای نفتی را پس از شروع صادرات نفت عراق در آینده آشفته‌تر مینماید.